

می‌گفت «دوست دارم شهادت‌م در حالی باشد که در سجده هستم»

یکی از دوستانش تعریف می‌کرد: در حال عکس گرفتن بودم که دیدم یک نفر به حالت سجده پیشانی به خاک گذاشته است. فکر کردم نماز می‌خواند؛ اما دیدم هوا کاملاً روشن است و وقت نماز گذشته، همه تجهیزات نظامی را هم با خودش داشت. جلو رفتم تا عکسی در همین حالت از او بگیرم. دستم را که روی کتف او گذاشتم، به پهلو افتاد. دیدم گلوله‌ای از پشت به او اصابت کرده و به قلبش رسیده، آرام بود انگار در این دنیا دیگر کاری نداشت. صورتش را که دیدم زانوهایم سست شد به زمین نشستم. با خودم گفتم «این که

یوسف شریف است»!

